

الرسالتان اللتان أحققهما هما: رسالة (الفضل العميم في إقطاع تميم)، لجلال الدين السيوطي (ت ٩١١هـ/١٥٠٥م)، ورسالة (الجواب القويم عن السؤال المتعلق بإقطاع السيد تميم)، لتجم الدين العنيطي (٩٨١هـ/١٥٧٣م). وهما رسالتان تتناولان موضوعًا مهمًا واحدًا، يتعلّق بإقطاع الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ للصحابي تميم بن أوس الداربي وجماعة معه من الدارين لأراضٍ في فلسطين، والنّص على أن هذا الإقطاع لهم ولذريتهم إلى يوم القيامة. وترجع أهمية هذا الموضوع إلى نواجٍ عديدة، منها:

• الجانب التاريخي: الذي يظهر في تناول الرسالتين لتاريخ هذا الإقطاع وموقف الخلفاء والسلاطين والحكام منه، منذ بدايته في القرن الأول الهجري/السابع الميلادي إلى القرن العاشر الهجري/السادس عشر الميلادي.

• الجانب الحديثي: لتناول الرسالتين لروايات هذا الإقطاع الواردة عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

• الجانب الفقهي: المتناول لما ارتبط بالإقطاع النبوي من مسائل فقهية، وهو ما يتضح على نحو بارز في رسالة العنيطي.

وقد نشأت فكرة الإقطاع في الإسلام من خلال تشجيع الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ على الملكية الخاصة، وعلى إحياء الأرض وعمارتها، وقد شملت إقطاعات الرسول الأراضي والمراعي والآبار والمعادن... وغيرها^(١).

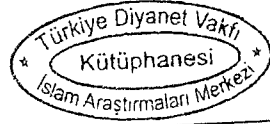
ولا حاجة هنا إلى الاستفاضة في الحديث عن التباين الشديد بين (الإقطاع الإسلامي، وسميّه (الإقطاع) الأوروبي (Feudalism). وهذا التباين تؤكده القاعدة الاصطلاحية التي تُفيد بأن المصطلح قد يكون واحدًا هنا وهناك، غير أن وضعيته وتوصيفه يختلف في جوهره تمامًا؛ لاعتبارات زمانية ومكانية وبنائية، ويندرج مصطلح (الإقطاع) ضمن هذا الفهم؛ إذ على الرغم من التشابه بين الإقطاعين

(١) عن الإقطاع زمن الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، انظر: قطائع الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. مجلة المؤرخ العربي، العدد (٣٣)، ص ١٩٧-٢٠٤؛ والنظام الإقطاعي الإسلامي في الجزيرة العربية في العصر النبوي وعصر الخلفاء الراشدين (١-٤٠هـ/٦٢٢-٦٦٠م)، ص ٢٧٨-٢٨٨.

رسالتان في الإقطاع النبوي في فلسطين

للسيوطي، والعنيطي

٥٦٦



تحقيق: حسام أحمد عبد الظاهر
دار الكتب والوثائق القومية
(القاهرة)

İktâ (031339)

Sütyü (181343)

Gayfi (070031)

ملخص

تهدف هذه الدراسة إلى تحقيق رسالتين على نحو كبير من الأهمية؛ لأنها من النصوص القليلة في التراث العربي التي اهتمت على نحو خاص بتناول الإقطاع عامة، والإقطاع النبوي خاصة. الرسالة الأولى هي رسالة (الفضل العميم في إقطاع تميم)، لجلال الدين السيوطي (ت ٩١١هـ/١٥٠٥م)، والرسالة الثانية هي رسالة (الجواب القويم عن السؤال المتعلق بإقطاع السيد تميم)، لتجم الدين العنيطي (ت ٩٨١هـ/١٥٧٣م). ويمكن رصد الكثير من وجوه الأهمية المؤسسة على هاتين الرسالتين، سواء في ما يرتبط بالتاريخ الإسلامي في بعض جوانبه السياسية والاقتصادية والفكرية، أو ما يتعلّق بعلوم الحديث النبوي ورواياته، وأيضًا ما يرتبط بالفقه الإسلامي التطبيقي... إلى غير ذلك.

الكلمات الدالّة

الإقطاع - الإقطاعات النبوية - تميم الداري - الدارين - الخليل - فلسطين

Süyuti (181343)

Duha Suresi (040629)



KADDE YAYIMLANDIKTAN
KIRA GELEN DOKÜMAN



01 Ocak 2021

المقدمة

et-Hikme, sy. 27, 1424 Medine, s. 303-380.

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبيِّنا محمد، وعلى آله وصحبه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد:

فهذا جزء لطيف في صلاة الضحى يخرج إلى النور محققاً، ليضاف إلى سلسلة رسائل الإمام السيوطي الكثيرة والمفيدة، حيث تكلم فيه على حكم صلاة الضحى، وفضلها، ووقتها، وعدد ركعاتها، فذكر الأحاديث والآثار الواردة في الأمر بها، والترغيب فيها، وبلغ عدد رواة الأحاديث في إثباتها بضعةً وعشرين صحابياً، وروى فيه عن جماعة من الصحابة أنهم كانوا يصلُّونها، منهم أبو سعيد الخدري وعائشة وأبو ذر رضي الله عنهم.

22
39



الحكمة

شهاب‌الدین منصورى قصیده‌ای در رثای او سروده‌است (سرخاوی، ج ۱۱، ص ۷۳؛ سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴۲-۴۴۳؛ همو، ۱۹۲۷، ص ۹۵-۹۶). فرزندش جلال‌الدین بر مهارت وی در علوم گوناگون از قبیل فقه، اصول، کلام، صرف و نحو، معانی و بیان، حساب و منطق تأکید کرده و او را به اوصافی چون عزت نفس، بردباری، تدبیر زیاد و مداومت بر تلاوت قرآن ستوده‌است (سرخاوی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴۱-۴۴۲؛ همو، ۱۹۲۷، ص ۹۵).

مهم‌ترین آثار تألیفی کمال‌الدین سیوطی اینهاست: ۱) حاشیه‌ای ناتمام بر شرح الفیه ابن‌مالک که پسر ابن‌مالک بدرالدین محمد بر الفیه پدرش نوشته‌است، معروف به شرح ابن‌مصنف و شرح ابن‌ناظم. ۲) حاشیه بر شرح قاضی عضدالدین ایجی بر مختصر منتهی السؤل والأمل فی علمي الأصول والجدل اثر ابن‌حاجب عثمان بن عمر مالکی. حاجی خلیفه (ج ۲، ستون ۱۱۴۴) این اثر را شرح کتاب العقائد قاضی عضدالدین شمرده‌است. ۳) پاسخ به نقدهای ابن‌مقرئ در ارزش‌الغاوی فی مسائل الحاوی به الحاوی الصغیر عبدالغفار قزوینی در فقه شافعی. ۴) حاشیه بر ادب القضاء (ادب الحکام) شرف‌الدین غزوی و کتابهایی در قرآن و وراثت. همچنین دو کتاب یکی در علم صرف و دیگری در صناعت توفیق به وی نسبت داده شده که فرزندش جلال‌الدین، آن‌چنان‌که در زندگینامه پدرش اشاره کرده، به این دو کتاب دست نیافته بوده‌است (سرخاوی، ج ۱۱، ص ۷۳-۷۲؛ سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴۲؛ همو، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۷۲؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۶۲۶؛ بغدادی، ج ۱، ستون ۲۳۷).

منابع: اسماعیل بغدادی، مدیة العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۵؛ حاجی خلیفه؛ محمد بن عبدالرحمان سرخاوی، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۴؛ همو، حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، [قاهره] ۱۳۸۷؛ همو، کتاب التحدث بنعمة الله، چاپ الیزاب ماری سارتین، [کیمبریج ۱۹۷۲]؛ همو، نظم العقیان فی اعیان الاعیان، چاپ فیلیپ حتی، نیویورک ۱۹۲۷.

مریم حسینی‌آهق /

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن محمد، فقیه شافعی، محدث، مفسر، ادیب، مورخ و دانشمند کثیرالتألیف مصری قرن نهم و دهم. نامش عبدالرحمان و کنیه‌اش ابوالفضل است (سرخاوی، ۱۹۷۵، ص ۳۲، ۲۳۵)؛ این کنیه را دوست پدرش عزالدین احمد بن ابراهیم کنانی به او داده بود. لقب معروف او، که پدرش به وی داد، جلال‌الدین است (شاذلی، ص ۶۲-۶۳). شهرت او به سیوطی برگرفته از نام شهر سیوط یا آسیوط*، زادگاه پدرش، در صعيد مصر است که او هیچگاه آنجا

(۱۹۷۵، ص ۸۷) سال تولد پدرش را ۸۰۶ یا ۸۰۷ و سرخاوی (ج ۱۱، ص ۷۲) آن را ۸۰۴ نوشته‌است. ابوبکر در زادگاهش به تحصیلات دینی پرداخت و در این میان قرآن، المنهاج بیضاوی و الفیه ابن‌مالک را حفظ کرد. از جمله استادان او را در آسیوط، قاضی سراج‌الدین ابن جمعی* (متوفی ۸۶۱) و شهاب‌نقوری دانسته‌اند. گفته‌اند که سیوطی مدتی در آسیوط به کار قضا اشتغال داشت (سرخاوی؛ همانجا؛ سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴۱).

ابوبکر سیوطی بعد از ۸۲۰ (احتمالاً ۸۲۶) به قاهره رفت و در دروس فقه و منطق و کلام و ادبیات شمس‌الدین محمد قایاتی (متوفی ۸۵۰) شرکت کرد و در ۸۲۹ موفق به اخذ اجازه تدریس از او شد. وی نزد زین‌الدین تفتنی* (متوفی ۸۳۲) و ابن‌حجر عسقلانی* (متوفی ۸۵۳) حدیث آموخت و ریاضیات، معانی و بیان، فرائض (فقه میراث) و فقه را از استادانی چون ابوبکر بن اسحاق کختاوی، شهاب‌الدین صنهاجی، احمد بن رجب ابن‌مجدی* و عبدالسلام قدسی فراگرفت. او در ۸۴۲ در مکه مجاور شد و از ابوالفتح مراغی و دیگران حدیث شنید. او علوم و فنونی دیگر، همچون انشا، خوشنویسی و صناعت توفیق (یکی از خطوط شش‌گانه اسلامی)، را نیز از استادان فن آموخت (سرخاوی، ج ۱۱، ص ۷۳-۷۲؛ سیوطی، ۱۹۷۵، ص ۸؛ همو، ۱۳۸۷، همانجا).

سیوطی پس از مهارت یافتن در علوم ادبی و اسلامی در مدارس گوناگون قاهره، از جمله جامع شیخونی، به تدریس و افتا پرداخت. برخی شاگردان او در مصر و مکه اینهاست: برهان‌الدین ابن‌ظهوره (قاضی مکه، متوفی ۸۹۱)، پسرعمویش محب‌بن ابوالسعادات، نورالدین بن ابوالعین، فخرالدین مقسی، محیی‌الدین بن تقی‌الدین (قاضی مالکیان) و علی بن عبدالله سنهوری* (فقیه مالکی، متوفی ۸۸۹)؛ سرخاوی؛ سیوطی، ۱۳۸۴؛ همو، ۱۹۲۷، همانجا). سیوطی مدتی منصب نیابت قضای مصر را در عهد ممالیک برعهده داشت. منصب قضای مکه نیز به او پیشنهاد شد، ولی آن را نپذیرفت. وی همچنین خطیب جامع ابن‌طولون بود و خطبه‌هایش را خودش می‌نوشت. به سبب تبحر او در نگارش و انشا، یحیی بن محمد مناوی*، قاضی القضاة مصر، که دوستی نزدیکی با او داشت، در وقایع مهم از او می‌خواست تا خطابه‌ای متناسب با آن شرایط برایش بنگارد. سیوطی با حاکمان معاصر خود از سلسله ممالیک مرأوده رسمی نداشت، به‌جز ابوالربیع سلیمان مستکفی بالله (حک: ۸۴۵-۸۵۴) که مناسباتی صمیمانه با او داشت (سرخاوی، ج ۱۱، ص ۷۲؛ سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴۱-۴۴۲، ج ۲، ص ۹۰-۹۱؛ همو، ۱۹۷۵، ص ۸-۹، ۱۱۷، ۲۳۹).

سیوطی در ۸۵۵ بر اثر بیماری درگذشت. مناوی بر پیکر او نماز گزارد و در گورستان قرافه قاهره به خاک سپرده شد.